

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۱۴ اسفند ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۴۹ - شماره مسلسل ۹۶

## کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

در این شماره:

- |  |  |
|--|--|
| ۶ جنگ کارگران آی تی آی، از شیراز تا تهران              | ۲ «خانه کارگر» و پیشنهادتعیین حداقل دستمزدکارگران            |
| ۷ آمار بیکاری در کشور لتونی                            | ۳ اعلام موجودیت شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی ماهشهر |
| ۸ تظاهرات اعتراضی کارگران متک علیه تعویق ۷ ماهه دستمزد | ۴ تظاهرات اعتراضی کارگران نساجی قائم شهر                     |
| ۸ سرمایه داری اسلامی و بی ارزشی مطلق جان کارگران       | ۴ برگزاری اجلاس برای ختم حادثه معدن باب نیزو                 |
| ۸ وضعیت وخیم جسمی فؤاد شمس در زندان                    | ۵ تظاهرات اعتراضی کارگران شرکت میلاد                         |
| ۹ کارگران و درد دل ها                                  | ۵ اخراج ۳۰۰ کارگر شرکت مخابراتی رلاکوم در نروژ               |
| ۹ آمار سوانح کار در گزارش سازمان تأمین اجتماعی         | ۶ کارگران و درد دل ها (ادامه)                                |
| ۱۰ دو گزارش و یک خبر                                   | ۶ تظاهرات اعتراضی کارگران سازمان تأمین اجتماعی               |



مشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۲

## «خانه کارگر» و پیشنهاد تعیین حداقل دستمزد کارگران

خوری که خانه کارگر از آن ها دفاع می کند ثروت بیشتر و بیشتر و باز هم بیشتر تولید کند.

بر این اساس، خانه کارگر در نامه خود ۳ خط فقر را معرفی و بررسی می کند تا کارگر را که در هر صورت باید در فقر زندگی کند در جایی قرار دهد که به نظر خانه کارگر برای حفظ این نظام بردگی مزدی بهترین جای ممکن است. این سه خط فقر از نظر خانه کارگر چنین است:

۱- خط فقر شدید یا خط گرسنگی مجموع درآمدی است که باید توسط خانوار هزینه شود تا افراد خانواده از خطر سوء تغذیه دور شوند و حداقل کالای مورد نیاز را برای حیات کسب کنند. خط فقر شدید یا گرسنگی به دست آمده در این گزارش ۱۴۹۶۶۷۰ ریال است.

۲- بر اساس مستندات مراجع رسمی خط گرسنگی تقریباً ۴۰ درصد خط فقر مطلق را به خود اختصاص می دهد. به عبارت دیگر، عدد ۳۷۴۱۶۷۵ ریال میزان خط فقر مطلق است که دربرگیرنده حداقل نیازهای یک خانواده برای تضمین سلامت غذا و نیازهای اجتماعی در سال ۸۸ است.

عدد مذکور خط فقر مطلق را به ما معرفی می کند. البته این رقم میانگین کشوری است، ولی همواره تهران و شهرهای بزرگ به عنوان کلان شهرها تا سقف ۲۰ درصد به لحاظ افزایش برخی هزینه ها مثل هزینه مسکن، ایاب و ذهاب و... بیشتر خواهد بود. لذا این سبد برای شهرهای بزرگ ۴۱۶۶۰۱۰ ریال است.

۳- درآمد متوسط خانوار شهری بر اساس تعدیل نرخ تورم سال ۱۳۸۷ (۸۶۸۷۵۰۰ ریال) در نظر گرفته شده است. با توجه به این که خط فقر نسبی ۵۰ تا ۶۶ درصد میانگین درآمد شهری است، خط فقر نسبی بین ۴۳۴۳۷۵۰ ریال تا ۵۷۳۳۷۵۰ ریال در سال ۸۸ است. لذا به نظر می رسد مصوبات شورای عالی کاربر اساس اطلاعات موجود باید بتواند عددی بین ۳۷۴۱۶۷۵ ریال تا ۴۳۴۳۷۵۰ ریال را پوشش دهد، یعنی عددی که حداقل فقر مطلق تا حداقل فقر نسبی را در برگیرد.

محاسبات مذکور فارغ از اتفاقاتی است که در سال آینده به دنبال اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها و آزاد سازی قیمت ها اتفاق خواهد افتاد.

بنابراین، همان طور که می بینیم، پیشنهاد «سخت‌نندگان» خانه کارگر برای دستمزد کارگران عبارت است از نگه داشتن کارگران و خانواده های کارگری در فقر مطلق. البته همان طور که در پایین خواهیم دید خانه کارگر در واقع رقم مشخصی را پیشنهاد نمی کند. بلکه می گوید حد اقل دستمزد طوری در نظر گرفته شود که با بن کارگری و کمک هزینه مسکن در نهایت به رقم تقریبی ۳۷۴۰۰۰ تومان نزدیک شود. و در واقع طبق محاسبات خودش برای کارگرانی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند همین هم زیر خط فقر مطلق است. خانه ضدکارگر تمام این محاسبات را انجام داده تا نشان دهد کارگر چه قدر باید مزد بگیرد که فقط از گرسنگی نمیرد و آن قدر جان در بدن داشته باشد تا بتواند برای سرمایه دار کار کند، سود تولید کند و بر کوه ثروت های او بیفزاید. اما طبق همین محاسبه خانه کارگر، سرمایه دار صاحب کار باید حداقل ماهی صد هزار تومان به دستمزد کارگر اضافه کند. برای سرمایه داری که همین دستمزد فعلی کارگر را هم ماه ها عقب می اندازد و پرداخت نمی کند، پرداخت این صد هزار تومان فاجعه است. اما سرمایه داران نباید نگران باشند. خانه کارگر همه جوره منافع سرمایه داران را در نظر گرفته و فکر اینجا را هم کرده است که میباید این صد هزار تومان بر روی پایه حقوق کارگر برود و به قول خودش اثرات مزدی مثل افزایش حق سنوات و مانند آن ها در پی داشته باشد. بنابراین، پیشنهادات زیر را مطرح می کند برای آن که حداقل ممکن به حقوق ثابت

می گویند در زمان های قدیم حاکم خودکامه و جباری زندگی می کرده که چنان بلایی بر سر مردم آورده بود و چنان فضایی از فشار اقتصادی و بگیر و ببند و بکش ایجاد کرده بود که مردم باید ساعت ها و چه بسا روزها در صف می ایستادند تا تازه بتوانند به حکومت خدمت کنند و مثلاً باج و خراج خود را تحویل ماموران این حاکم مستبد و خونخوار دهند!! البته اکثر این فلک زدگان در صف ایستاده ضمن تحمل این وضعیت خفت بار به آن اعتراض هم می کردند و خواهان پایان دادن آن بودند. اما در میان صف کسانی هم بودند که از این که گرفتن باج و خراج به سرعت و به خوبی پیش نمی رود ناراحت بودند و به حکومت پیشنهاد می کردند که برای کاستن از طول صف ها تعداد مامورانش را بیشتر کند تا بهتر بتواند باج و خراج را جمع آوری کند!!

پیشنهاد «خانه کارگر» جمهوری اسلامی در مورد تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده از جمله این گونه پیشنهاد ها است. فلاکت و سیه روزی و فشار کمرشکن جهنم سرمایه داری ایران کارگران را به چنان حدی از مظلومیت و استیصال کشانده است که مزدوران ضدکارگر مستقر در «خانه کارگر» بر بستر درماندگی خفت بار طبقه کارگر و درواقع برای خوش رقصی در پیشگاه سرمایه به دولت سرمایه داری پیشنهاد می کنند که حداقل دستمزد کارگران را طوری تعیین کند که کارگران فقط و فقط بتوانند زنده بمانند تا همچون سابق و برای همیشه و الی الابد مثل چهارپایان بارکش برای سرمایه داران کارکنند و دم برنیورند. درست از این زاویه و دقیقاً با این هدف است که کمیته دستمزد «خانه کارگر» پس از جلسات متعدد بحث و بررسی طی نامه ای سرگشاده پیشنهاد خود را برای حداقل دستمزد کارگران در سال آینده به شورای عالی کار و مسئولان کشور اعلام کرده است.

«خانه کارگر» بر اساس ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی دو شاخص را برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در نظر گرفته است: تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و تامین حداقل نیازهای زندگی یک خانواده ۴ نفری. خانه کارگر در نامه خود به مسئولان کشور توضیح داده است که تا چه حد تلاش کرده است حداقل تمام حداقل ها را در مورد تامین یک زندگی کاملاً حداقلی برای کارگران در نظر بگیرد. از این رو "در تعیین اقلام تعیین کننده سبد خوراکی ها از جدول حداقل کالری مورد نیاز برای یک خانواده ۴ نفره که توسط وزارت رفاه تایید شده استفاده کرده و قیمت اقلام در پایان دی ماه ۸۸ از میادین تره بار شهرداری که حداقل قیمت های مصوب می باشد گرفته شده و سعی شده که قیمت های حداقلی در نظر قرار داده شود."

" خانواده ۴ نفره مورد نظر شامل پدر و مادر و کودکانی است که سن آن ها بین ۲ تا ۶ سال است." یعنی فرض خانه کارگر این است که فرزند کارگر مدرسه یا دانشگاه نمی رود و خرج تحصیل ندارد و این خود به معنی پیش فرض گرفتن محرومیت از تحصیل و امکانات آموزشی برای فرزندان کارگران در این محاسبه دستمزد است. "کالری مورد نیاز والدین در یک روز ۲۰۰۰ کالری و کودکان ۱۸۰۰ کالری در نظر گرفته شده است." این مقدار کالری معمولاً برای کسانی در نظر گرفته می شود که کمترین فعالیت را در طول روز می کنند یا می خواهند رژیم بگیرند تا لاغر شوند نه برای کارگری که از صبح تا شب حداقل ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار سخت و طاقت فرسا می کند.

با این مقدمات، خانه کارگر برای تعیین دستمزد کارگران و جایگاه خانواده های کارگری از نظر رفاه اجتماعی، یکرأسست سراخ خط فقر می رود. اما نه برای این که بگوید دستمزد کارگران باید در حدی باشد که کارگران و خانواده های کارگری، که تمام ثروت جامعه را تولید می کنند، در رفاه و آسایش زندگی کنند، بلکه از این رو که بگوید کارگر را تا چه حد می توان فقیر نگه داشت T به طوری که فقط از گرسنگی نمیرد تا بتواند کار کند و برای سرمایه داران مفت

دولت رسماً اعلام کرد که حقوق کارگران در سال آینده اضافه نخواهد شد (روزنامه آرمان ۸۸/۱۲/۴ به نقل از سخنگوی طرح تحول اقتصادی).

پس کارگران! ما دو راه بیشتر در پیش رو نداریم: یا تحمل بردگی مطلق و مرگ ناشی از فقر مطلق و گرسنگی مفرط یا مبارزه متشکل و سراسری علیه نظام بردگی مزدی برای برخورداری از یک زندگی انسانی همراه با رفاه، آسایش، شادی و آزادی. اگر می‌خواهیم راه دوم را انتخاب کنیم، باید از همین الان از دولت و وزارت کارش بخواهیم که حداقل دستمزد را بر اساس ثروتی که ما کارگران تولید کرده ایم و اختصاص سهم هر چه بیشتری از این ثروت («تولید ناخالص داخلی») به معیشت و رفاه شهروندان تعیین کند. بر چنین اساسی، چنان که ما قبلاً محاسبه کرده ایم، حداقل دستمزد برای یک خانواده چهار نفره کارگری نباید از یک میلیون و پانصد هزار تومان کمتر باشد. تعیین حداقل دستمزد بر اساس تورم و نیازهای حداقل یک خانواده کارگری همان چیزی است که خود دولت سرمایه داری در قانون کارش آورده است. این گونه تعیین حداقل دستمزد و ارقامی که خانه کارگر و امثالهم پیشنهاد می‌کنند فقط و فقط به سود سرمایه داران و دولت آن‌ها است و هیچ دردی را از دردهای بی‌شمار ما کارگران دوا نمی‌کند. اگر می‌خواهیم از شر این زندگی خفت بار راحت شویم یا دست کم فشار آن را کمتر کنیم راهش فقط و فقط مبارزه متحد و متشکل و شورایی با سرمایه و متمرکز کردن حمله بر کوه سودهای سرمایه داران و دولت آن‌ها با هدف بازگرداندن آن‌ها به جامعه است. برای زندگی بهتر هیچ راه دیگری وجود ندارد.

### کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۱ اسفند ۱۳۸۸

کارگران اضافه شود و این افزایش حقوق اثرات مزدی کمتری برای سرمایه داران داشته باشد:

۱- حداقل دستمزد به علاوه کمک هزینه بن و مسکن تا به رقم تقریبی ۳۷۴۰۰۰۰ ریال نزدیک شود.

۲- افزایش کمک هزینه مسکن و بن کارگری همزمان بدون آن که اثرات مزدی داشته باشد، می‌تواند به میزان مؤثر در درآمد کارگران تأثیر بگذارد. البته تشخیص آن بر عهده شورای عالی کار است.

۳- میزان پایه سنوات به مأخذ ۲/۵ درصد مزد روزانه به عنوان جبران یک سال سابقه را می‌توان به دستمزد کارگران سابقه دار اضافه کرد.

خانه کارگر در پایان نامه خود اظهار امیدواری کرده است که «شورای عالی کار بتواند مزد واقعی کارگر را که در برگیرنده عدالت اقتصادی و اجتماعی است به تصویب برساند».

می‌بینیم که از نظر این خانه ضدکارگر عدالت اجتماعی و اقتصادی عبارت است از نگه داشتن کارگران در فقر مطلق. عدالت اجتماعی و اقتصادی این است که یک اقلیت سرمایه دار در بهترین شرایط و با بهترین و مدرن ترین امکانات زندگی کند و از رفاه و آسایش و همه لذت‌ها برخوردار باشند و میلیون‌ها کارگر و خانواده کارگری در فقر و فلاکت و گرسنگی مطلق زندگی کنند و از همه امکانات محروم باشند و آن قدر مزد بگیرند تا تنها نیمه جانی در بدن داشته باشند تا بتوانند همچنان چرخ تولید را بگردانند. بالاخره کارگر مرده که نمی‌تواند کار کند و سود تولید کند. اگر کارگر نباشد سرمایه ای هم نخواهد بود.

با این همه، همان طور که در تمام این سال‌ها دیده ایم معمولاً آنچه در نهایت در شورای عالی کار به تصویب می‌رسد بسیار کمتر از همین پیشنهاد فلاکت زده خانه کارگر است و امسال از همین الان پیداست که دولت سرمایه برای پیشنهادات خانه کارگر تره هم خرد نمی‌کند. زیرا همین چند روز پیش بود که

## اعلام موجودیت شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

باسابقه شنیده و آموخته اند. این فعالین به عنوان نماینده خواست های مختلف کارگران در دل مبارزه برای خواست های مختلف، از جمله پرداخت حقوق معوقه و متحد کردن کارگران برای مقابله با سیاست های اخراج سازی سرمایه داران منطقه و دولت حامی آن‌ها، پرورش یافته اند. در ماه‌ها و سال‌های گذشته، بارها این فعالین با دادن نامه حمایتی از مبارزات کارگران سایر مناطق ایران، اراده خودشان را به نمایش گذاشته اند.

امروز در دل شرایط جدید سیاسی به وجود آمده در جامعه ایران، ما بخشی از این فعالین، تصمیم به تشکیل شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی ماهشهر گرفته و این شورا را به عنوان تشکلی پایه، برای متشکل نمودن کارگران منطقه اعلام و بیانیه زیر را به عنوان بیانیه شورا و خواست های کارگران این منطقه به اطلاع عموم می‌رسانیم و از همه کارگران می‌خواهیم که در پخش و توزیع هر چه بیشتر این بیانیه و خواست‌ها در میان کارگران، خانواده‌ها و مردم بکوشند. با این امید که روزی با مجمع عمومی‌های صدها و هزاران نفره در محیط های کارگری و محل های زندگی کارگران، شاهد شکل گیری شوراهای علنی در منطقه باشیم. قطعاً آن روز دور نیست.

**بیانیه شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر**

منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر با احتساب دو مجتمع قدیمی، پتروشیمی رازی و بندر امام (ایران و ژاپن سابق) ۲۰ مجتمع را شامل می‌شود. این منطقه از اواخر دهه ۴۰ با شروع به کار پتروشیمی رازی فعالیت صنعتی خود را آغاز کرده است و امروز قدیمی ترین منطقه صنعتی پتروشیمی در خاورمیانه محسوب می‌شود. تا دو سال قبل، تعداد کارگران شاغل در مجتمع های منطقه که به تولید رسیده و یا در حال ساخت بودند، به بیش از ۵۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردید که در پی بحران اقتصادی دو سال گذشته و اخراج های پشت سر هم، به ۳۰۰۰۰ نفر تقلیل یافته است و به معنی واقعی تر یعنی در طی دو سال گذشته در حدود ۲۰۰۰۰ نفر کارگر در این منطقه، اخراج و از کار بیکار شده اند. اخراج کارگران به بهانه های مختلف صورت گرفته که عمده آن پایان یافتن دوره ساخت کارخانجات از طرف سرمایه داران و شرکت‌ها مطرح شده است. اخراج‌ها، عمدتاً با مقاومت های زیادی از سوی کارگران مواجه بوده است و امروزه هم، همچنان ادامه دارد. در دوران انقلاب ۵۷، این منطقه از مناطقی بود که فعالین کارگری، با تشکیل شورای کارگران پروژه ای دست به ایجاد تشکلی برای متحد کردن کارگران زده که این شورا سخنگوی کارگران بوده و نماینده خواست های برحق کارگران در انقلابی شد که اساس کارگر بود و کارگر به عنوان ستون فقرات انقلاب علیه رژیم شاه به حساب می‌آمد. فعالین آن سال‌ها امروز یا در میان مانیتسند و یا بازنشست شده اند. بنابراین امروز، اکثر فعالین کارگری، فعالین جوانی هستند که تجربه گذشته را ندارند و تاریخ آن دوره را از فعالین

۱- با توجه به شرایط حاد اقتصادی و سیاسی موجود در ایران زندگی کارگران با مخاطرات جدی روبرو شده و از آنجا که کارگر در ایران هیچ گونه تشکلی برای طرح و دفاع از خواسته هایش ندارد، لذا:

ما کارگران خواهان حق ایجاد تشکل و داشتن چنین ظرفی برای طرح و دفاع از خواست های برحق هر روزه مان هستیم و این تشکل همانا، مجمع عمومی کارگران در کارخانه و یا محل زندگی مان است. مجمع عمومی کارگری، با توجه نیاز کارگران برای دفاع از شرایط کار، زندگی و معیشت می تواند و باید تشکیل شود.

۵- ما خواهان پرداخت حقوق های معوقه کارگران شاغل در کارخانجات هستیم.

۲- ما خواهان تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۹، توسط شورایی متشکل از نمایندگان کارگران و دولت و بر اساس میزان تورم اقتصادی روز، و به میزان حد اقل یکمیلیون تومان و با توجه به اعلام خط فقر از طرف مسئولین و ارگان های دولتی هستیم. در روزهای پایانی سال ۱۳۸۸ این خواست را باید به نیروی متحد کارگران به کارفرمایان تحمیل کرد.

۶- ما خواهان توقف اخراج کارگران از محیط های کار هستیم.

۳- اعتراض و اعتصاب حق کارگران است. هیچ کارگری را نباید به دلیل اعتصاب و اعتراض دستگیر و زندانی کرد. در شرایطی که کارگران در گروه های ده ها و صدها نفره از محیط های کار اخراج می شوند، کارگر جز استفاده از ابزار اعتراض و اعتصاب چاره دیگری، برای دفاع از زندگی اش ندارد.

۷- ما خواهان لغو مجازات اعدام و از جمله اعدام زندانیان سیاسی مانند فرزاد کمانگر، معلم زندانی، هستیم.

۴- ما خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی هستیم. هم اینک ده ها رهبر کارگری و از جمله منصور اصائلو و ابراهیم مددی اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و علی نجاتی از اعضای هیئت مدیره

با توجه به شرایط اقتصادی این منطقه و ثروت بی حد و حصری که از این منطقه به جیب سرمایه داران ایران و جهان سرازیر می شود، تحقق این خواست ها و به ویژه حفظ کار و تامین معیشت و زندگی کارگران کاملاً امری قابل تحقق بوده و بدین وسیله از مسئولین امر در منطقه خواسته می شود که به این خواست کارگران رسیدگی کرده و عملی نمایند.

شورای موقت کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر

۸۸/۱۲/۸

رونوشت: به کلیه سازمان ها، اتحادیه ها و سندیکاها و احزاب کارگری ایران و جهان

## تظاهرات اعتراضی کارگران نساجی قائم شهر

همدلی خود را با کارگران اعلام کردند و در میان راه به صفوف تظاهرات اعتراضی آنان پیوستند.

۱۰ اسفند ۸۸

۱۱ اسفندماه با خشم و عصبانیت از محل کارخانه به سوی فرمانداری قائم شهر راه افتادند. در مسیر خویشتن دست تظاهرات کردند و از همگان خواستند به حمایت از مبارزات آنان برخیزند. اخبار رسیده از شهر حاکی است که عده ای از اهالی همراهی و

کارگران نساجی قائم شهر مثل همه همزنجیران خویشتن ماه هاست که از دریافت دستمزد در قیال کار محروم شده اند. آنان ۵ ماه است که بدون هیچ مزدی کار می کنند و مدام خواستار پرداخت بهای نیروی کار خویشتن شده اند اما پاسخ سرمایه داران در همه این مدت منفی بوده است. کارگران در روز سه شنبه

## برگزاری اجلاس برای ختم حادثه معدن باب نیزو

به همین خاطر جان خویشتن را از دست ندهند و چندین هزار کارگر دیگر به معلولان مادام العمر گرسنه جهنم سرمایه داری اضافه نشوند. این جنایات و کارگرکشی ها دقیقه به دقیقه در چهاردیواری این جهنم وحشت و دهشت اسلامی سرمایه انجام می گیرد و تا امروز هیچ کس در هیچ کجا نشنیده است که هیچ سرمایه دار یا هیچ دولتمرد نظام بردگی مزدی به خاطر ارتکاب این جنایات های سهمگین حتی مورد کمترین پرس و جو قرار گرفته باشد. نشست مزدوران سرمایه در ذغال شویی زرند نه با هدف بررسی پرونده قتل عام کارگران معدن باب نیزو بلکه صرفاً با هدف برائت صاحبان سرمایه از قتل عام آنان برگزار شده است.

۱۰ اسفند ۸۸

انگاری ها بوده است!! و بهتر است که این سهل انگاری ها روی ندهد!! محبوب و نماینده مجلس سرمایه و همراهان و شرکای دیگر تلاش کرده اند تا از این طریق سر و ته ماجرا را به هم آورند و راه را برای مختومه کردن پرونده کشتار کارگران توسط سرمایه داران باب نیزو هموار سازند. آنچه در باب نیزو روی داده است گوشه بسیار ناچیزی از دنیای جنایت ها، سببیت ها و شرارت هایی است که فقط در عرصه سرپیچی سرمایه داران و دولت سرمایه داری ایران از قبول هزینه امکانات ایمنی محیط های کار و در همین راستا قتل عام توده های کارگر انجام داده اند و هر روز و هر دقیقه انجام می دهند. هیچ روزی نیست که کارگرانی به همین دلیل و بر اثر امتناع سرمایه داران از تقبل حداقل هزینه بهبود شرایط کار قربانی سوجدویی های صاحبان سرمایه نشوند. هیچ سالی نیست که چند صد کارگر

جلسه ای زیر نام «پیگیری حادثه معدن باب نیزو» در محل موسوم به ذغال شویی شهر زرند برگزار شده است. در این اجلاس جمعی از مزدوران و خدم و حشم سرمایه شرکت کرده اند. علیرضا محبوب دبیرکل مادام العمر تشکل ضدکارگری «خانه کارگر»، امیری نماینده مجلس سرمایه و فردی که مدعی وکالت خانواده های ۸ کارگر مقتول حادثه معدن است در این جلسه حضور یافته و به مذاکره و گفتگو پرداخته اند. شرکت کنندگان در نشست در مورد همه چیز بحث کرده اند اما تنها چیزی که به مباحثات آنان هیچ راه نیافته رسیدگی به جرائم و تخلفات سرمایه داران صاحب معدن، قتل ۸ کارگر توسط آن ها در باب نیزو و اهمیت محاکمه و مجازات جانیان صاحب سرمایه است. شرکت کنندگان «چشم بسته غیب گفته اند» و اعلام کرده اند که وقوع این حادثه احتمالاً در اثر برخی سهل

## تظاهرات اعتراضی کارگران شرکت میلاد

پادرمیانی متعارف مزدورمنشانه خود کرد. مزدوران حراستی به میان کارگران آمدند و بساط وعده و وعید پهن کردند. آنان گفتند که طی چند روز آینده صد میلیون تومان به صورت علی الحساب به کارگران پرداخت خواهد شد. ۷۰ کارگر معترض شرکت پس از این گفتگوها اعلام کردند که عجلتاً به سر کار باز می گردند اما به اعتراض و اعتصاب خود ادامه خواهند داد. آنان تأکید کردند که تا پیش از دریافت دستمزدهای معوقه به هیچ وجه کار را شروع نخواهند کرد. کارگران همزمان از همزنجیران خویش در شرکت متک به خاطر پیشگامی آنان در این اعتراض ها و مبارزات قدرانی و تشکر کردند.

۱۰ اسفند ۸۸

دولت خویش کمک خواستند. سرکوبگران از ساعاتی قبل در سه راه توحید و در محل شرکت شروع به صف آرایی نمودند و به محض ورود کارگران شروع به تهدید و نشان دادن چنگ و دندان کردند. آنان با وحشیگری تمام از ورود کارگران به محوطه دفتر کارخانه جلوگیری کردند و دست به کار متفرق کردن و ضرب و شتم آن ها شدند. کارگران مقاومت نمودند و همصدا و متحد و مصمم در طول خیابان با تشکیل صفی طولانی شروع به راه پیمایی کردند. آنان مطالبات خود را فریاد زدند و از همه عابریان و توده اهالی خواستند که به حمایت از مبارزاتشان برخیزند. تظاهرات کارگران مدتی به طول انجامید و در این هنگام حراست شرکت که از مشاهده مقاومت مصمم و راه پیمایی کارگران به ویژه با توجه به تظاهرات ۲۰۰ نفره چند روز قبل کارگران متک به وحشت افتاده بود شروع به

شرکت میلاد از جمله کارخانه های تحت مالکیت مجتمع صنعتی قائم رضا در استان اصفهان است. این شرکت در همین اواخر ۱۲۰ کارگر را اخراج کرده و در تدارک اخراج ۸۰ کارگر رسمی دیگر است. کارگران این کارخانه نیز همچون همزنجیران خویش در شرکت متک و به سان میلیون ها کارگر دیگر در سراسر جهنم اسلامی سرمایه داری چندین ماه است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. کارگران در روز دو شنبه دهم اسفند در دفتر مجتمع مذکور در سه راه توحید اصفهان تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. سرمایه داران شرکت که چند روز پیش با تظاهرات اعتراضی کارگران خشمگین متک و مقاومت سرسختانه آن ها برای گرفتن دستمزدهای معوقه ۷ ماهه خود مواجه شده بودند، این بار پیش دستی کرده و قبل از رسیدن کارگران به دفتر مرکزی شرکت از نیروی سرکوب

## اخراج ۳۰۰ کارگر شرکت مخابراتی رلاکوم در نروژ

پرداخت کنند. در طول دو سال گذشته حتی یک حرکت اعتراضی در کشور نروژ در مخالفت با بیکارسازی کارگران در مراکز مختلف کار و تولید از سوی اتحادیه ها سازمان داده نشده است. برعکس، سران اتحادیه ها همه جا در مقابل موج اعتراضات کارگران به یاری صاحبان سرمایه شتافته اند.

جا دارد که رؤسای اتحادیه ها، همه حامیان جنبش اتحادیه ای، همه رفرمیست های راست و چپی که شب و روز بذر شوم توهم به اتحادیه ها را در ذهن و مغز و مسیر مبارزه کارگران ممالکی چون ایران و جاهای دیگر کشت می کنند، همه عشاق سینه چاک گای رایدرا، همه آنان که نوشتن نامه به گای رایدرا را سند تشخیص خود و سلاح زشت خودنمایی خویش در میان کارگران می بینند، آری همه این ها در مقابل یک سؤال بسیار اساسی قرار گیرند. سؤال این است: اگر رسالت اتحادیه ها فقط این است که در روزهای رونق و سرکشی موج سودآوری سرمایه ها خواستار خریداری نیروی کار کارگران از سوی سرمایه داران شوند، که سرمایه داران خود این کار را می کنند، زیرا به نیروی کار و استثمار هرچه گسترده تر کارگران نیاز دارند. اگر آن ها قرار است در شرایط بحران و به محض کاهش یک دینار سود صاحبان سرمایه، سلاح دست سرمایه داران برای اخراج کارگران باشند که باز هم وجود آن ها نه نیاز کارگران بلکه احتیاج مبرم سرمایه است. در همه این حالت ها چرا کارگران باید تمامی قدرت طبقاتی خود را تسلیم این امامزاده های جعل و دروغ سرمایه بنمایند؟ چرا توده های کارگر باید قدرت

گوید: " اگر چه اخراج این همکارانمان بسیار تأسف آور است اما ما باید خوشحال باشیم که کنسرن تله نور تنها ۳۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرده است، زیرا ما می دانیم که این کنسرن تصمیم دارد که تعداد زیادی از کارگران را اخراج کند و این بیکارسازی ها تنها شامل رلاکوم نمی شود بلکه در شعبه های دیگر این کنسرن مانند سونیکو و ال تل نیز قرار است تعدادی از کارگران را اخراج کنند".<sup>۳</sup> در سخنان این مزدور جنبش اتحادیه ای نکات قابل توجهی وجود دارد که هر کارگر هوشیاری باید روی آن ها تعمق کند. این نکات عبارتند از:

از حرف های این نماینده به اصطلاح کارگری به درستی استنباط می شود که مسئولین اتحادیه شرکت رلاکوم نه تنها مدت ها در جریان طرح بیکارسازی کارگران توسط صاحبان سرمایه بوده اند، بلکه در اجرای این طرح ضدکارگری نهایت همکاری را با سرمایه داران کنسرن انجام داده اند. بسیار قابل توجه است که خبر اخراج ۳۰۰ کارگر حتی رئیس اتحادیه را بسیار خوشحال هم کرده است، آن سان که او از فرط شادمانی به نیایش پرداخته و بیشترین سپاس را در برابرآستان قدرت سرمایه به جای آورده است.

سران مزدور اتحادیه های کارگری به محض مشاهده کاهش چند کرون سود سرمایه داران، اخراج کارگران توسط صاحبان سرمایه را مجاز و این کار را حق مسلم و مفروض سرمایه داران می دانند. اتحادیه ها در همه جا با کارفرمایان توافق کرده اند که تاوان بحران نظام سرمایه را باید کارگران

شرکت رلاکوم یکی از شعبه های کنسرن بزرگ مخابراتی تله نور در کشور نروژ است. امروز دوشنبه اول ماه مارس سخنگوی کنسرن تله نور آقای آتله لسوم در مصاحبه با روزنامه هفتگی تکنیک اعلام کرد که از فردا دوم ماه مارس ۳۰۰ کارگر شرکت رلاکوم از کار اخراج خواهند شد. آقای لسوم در این مصاحبه می گوید که ما در ماه گذشته دو جلسه با مسئولین اتحادیه کارگری این شرکت برگزار کردیم و در این جلسات دلایل تصمیم به اخراج این کارگران را با آنان در میان گذاشتیم. خوشبختانه مسئولین اتحادیه وضعیت بحرانی کنسرن را درک کردند. مسئولین اتحادیه از ما درخواست کردند که در ازای اخراج این کارگران حقوق یک ماه را به آنان بدهیم یا تعهد بدهیم که در جاهای دیگر برای این کارگران کار پیدا کنیم. ما با هر دو خواست آنان مخالفت کردیم. زیرا اولاً اگر ما توان پرداخت خسارت مالی به جای اخراج این کارگران را داشتیم دلیلی نداشت آنان را اخراج کنیم و ثانیاً پیدا کردن کار برای کارگر اخراجی وظیفه ما نیست بلکه اداره کار باید به فکر کاریابی برای این کارگران باشد.

همزمان با پخش این خبر، خانم سیسل هالم رئیس اتحادیه رلاکوم نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی<sup>۴</sup> ضمن تأیید خبر اخراج ۳۰۰ کارگر این شرکت، اعلام کرد: "ما در طول یک ماه گذشته نهایت تلاش خودمان را کردیم که مانع اخراج این کارگران شویم، اما متأسفانه کنسرن تله نور دچار بحران اقتصادی شده است لذا کاری از دست ما برنمی آید". این فعال جنبش اتحادیه ای در ادامه سخنانش می

رفرمیسم منحنی اتحادیه ای و سازماندهی آگاهانه و هدفمند خویش در شوراهای کارگری ضدسرمایه داری است.

منبع: سایت نوروزی جنبش آزاد اتحادیه ای. نقل از سایت سیمای سوسیالیسم مارس ۲۰۱۰

مبارزات کارگران ناچار می شد هر از گاهی با سطحی از اعتراضات کارگران همراه شود، اکنون دیگر این کار را هم نمی کند و ظرفیت چنین همراهی مزورانه و عوام فریبانه را هم ندارد. کارگر نوروزی و کارگر هر کجای دیگر دیر یا زود ناچار خواهند شد که برای وضعیت اسفناک خویش چاره ای اندیشند. تنها راه رهایی و نجات کارگران از وضع موجود در هم پیچیدن طومار میدان داری

خود را تقدیم نهادهایی کنند که کل این قدرت را علیه خود آنان و به نفع سرمایه داران و برای ماندگارسازی نظام کارگرکش سرمایه داری به کار گیرند!!

۴. همه چیز با صدای بلند بانگ می زند که جنبش اتحادیه ای اگر در گذشته های دور فقط برای تداوم بقای خویش و خدمت به آستان سرمایه تحت فشار

## کارگران و درد دل ها (ادامه)

شورای عالی کار هم کمتر است. اما همه ما در قبال همین دستمزد اندک باید روزانه ۱۲ ساعت کار کنیم. فاجعه به اینجا ختم نمی شود. زنان کارگر به رغم ۱۲ ساعت کار روزانه حتی همین حقوق نازل را هم نمی گیرند. شدت استثمار در اینجا بسیار فاجعه بار و انفجارآمیز است. مزد ساعتی ما از ۸۰۰ تومان هم کمتر است و اگر این مبلغ را به دلار تبدیل کنیم معنایش این می شود که ساعتی ۸۰ سنت بیشتر نمی گیریم. بهای نیروی کار ما حتی ۵٪ بهای نیروی کار کارگران اروپا آمریکا نیست و این در حالی است که همه نیازهای اولیه و اساسی زندگی خود را به قیمت رایج آن کشورها می خریم. فشار زندگی بر اثر پایین بودن شدید دستمزدها بسیار فرساینده و کشنده است. در محلی که ما کار می کنیم اکثریت غالب زنان حتی همین حقوق اندک را هم دریافت نمی کنند. حداکثر دستمزد این زنان میان ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان است، چیزی که مطلقاً کفاف نان بخور و نمیر فرزندان آنان را هم نمی دهد.

۹ اسفند ۸۸

نیروی کار خود باشیم، نیروی کاری که در این سن بیش از پیش بدون مشتری و بسیار بی بهاتر می شود و باید بسیار شبه رایگان تر آن را در بازار فروش به حراج گذاشت. هر چه اوراق زندگی خویش را ورق می زنم و هر چه به به وضعیت معاش همزنجیرانم نظر می اندازم مشاهده می کنم که سطح انتظار ما مدام سیر نزولی داشته است. دستمزد محقر، فشار فرساینده و کوبنده گرانی ها بر همین دستمزد، عدم کفاف آن برای هزینه های اولیه زندگی و تأمین خوراک و پوشاک و اجاره بهای کومه مسکونی سبب شده است تا هر سال سطح انتظار خود را از سال پیش پائین بیاوریم، تا به سقوط مستمر خود تن دهیم، تا فشار استثمار را بر خود هموارتر سازیم. همه شواهد حکایت از این دارد که سال آینده سال انفجار گرانی هاست، فاجعه ای که روزگار سیاه ما کارگران را باز هم بسی سیاه تر خواهد کرد.

۲. کارگر فروشنده ام. دستمزدی که من و همکارانم دریافت می کنیم حتی از حداقل مزد تعیین شده توسط

### (از لابه لای روزنامه ها)

۱. کارگر کارخانه صنایع فلزی هستم. من فقط استثمار و ستم و سیه روزی کارگر بودن را تحمل نمی کنم، ابعاد تشدید مضاعف و انفجاری همه این مصائب را به دلیل زن بودن نیز بر دوش خویش حمل می کنم. سال هاست که کار کرده ام، رنج برده ام، استثمار شده ام، فرسوده و فرسوده تر شده ام، سرمایه سرمایه داران را بیشتر و بیشتر کرده ام و خود هر روز از روز قبل مفلوک تر، گرسنه تر و فقیرتر شده ام. مزد بسیار پائین مجبورم ساخته است که به جای گوشت و برنج مقداری سویا و بلغور به بچه هایم بدهم و به جای زندگی در شهر راهی مناطق دورافتاده و محروم و فاقد ابتدایی ترین امکانات زندگی شوم. من و همه کارگران دیگر مثل من هیچ چاره ای نداریم جز این که در سنین بازنشستگی و به دنبال یک عمر کار بازم برای امرار معاش خویش و برای جبران کمی فاحش دستمزدهایمان اینجا و آنجا در جستجوی فروش

## تظاهرات اعتراضی کارگران سازمان تأمین اجتماعی

کارگران می گویند که به اجتماع خویش در این محل تا دستیابی به نتیجه قطعی ادامه خواهند داد.

۹ اسفند ۸۸

بخش های اداری خود را هم نمی پردازد. این کارگران ماه هاست که بخشی از حقوق خود را که به مزایا موسوم است دریافت نکرده اند. آنان به همین دلیل از سراسر کشور به تهران روی نهاده اند تا در مقابل وزارت رفاه دست به تظاهرات بزنند.

سازمان تأمین اجتماعی در کنار تمامی برنامه ها، طرح ها و دسیسه های کارگرکش خود جنایتی جدید را هم ردیف کرده است. این سازمان یاء، به بیان دیگر، این کارتل عظیم مالی دولتی ماه ها است که حتی دستمزد اندک کارگران تحت استثمار مستقیم

## جنگ کارگران آی تی، از شیراز تا تهران

عجز و استیصال و فروماندگی توده های طبقه کارگر ایران و جنبش کارگری جهانی در سوی دیگر، جنگی که اگر چه جنگ کارگران علیه سرمایه است اما نه تجلی قدرت طبقه کارگر است و نه امید به خیزش تعرض آمیز جنبش کارگری را بر می انگیزد. در جریان این جنگ طولانی، چند صد کارگر ۱۳ ماه است که برای بهای نیروی کار شبه رایگان خود و برای بیرون کشیدن دستمزدهای نازل و بی مقدار خویش از حلقوم کثیف صاحبان سرمایه و دولت اسلامی سرمایه داری می جنگند. ۱۳ ماه است که برای سرمایه داران دژخیم کار می کنند و جان

کارگران آی تی آی (مخابرات راه دور شیراز) همچنان می جنگند، جنگ مرگ و زندگی، جنگی که بالاترین دستاوردش در بهترین حالت می تواند این باشد که خودشان و زنان و فرزندان شان برای چند روزی به قوت لایموتی دست یابند، جنگی که منتهای توحش، کارگرکشی، بشرستیزی و سبعیت سرمایه داران و دولت سرمایه داری ایران را به نمایش نهاده است، جنگی که در همان حال وضع بیش از حد رقت بار، مستأصل، فرومانده، ناتوان و مقهور طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران را فریاد می زند، جنگ میان بربریت سرمایه داری در یک سو و

سرمایه داری ایران علیه کارگران آبی تی آی و گزارش مبارزات چند ساله کارگران حتی در رسانه های خبری بزرگ جهان از نوع بی بی سی نیز منعکس شده است اما هیچ کارگری در هیچ کجای جهان سرمایه داری هیچ گونه همراهی و هم‌رزمی با بردگان مزدی داغ لعنت خورده کارخانه صنایع مخابراتی راه دور شهر شیراز نکرده است.

کارگران آبی تی آی در چنین وضعیت رقت باری همچنان می‌جنگند و در آخرین تلاش خود بدون داشتن هیچ زاد راه، با گدایی هزینه سفر از «مؤسسات خیریه»!! راهی تهران شده اند تا همان اعتراضات، تحصن ها و مبارزات تاکنون را این بار در اینجا و در مقابل کاخ های عظیم قدرت سرمایه به پیش برند. یک چیز بسیار روشن است. نه کارگران آبی تی آی و نه میلیون ها کارگر دیگر هم‌زنجیر آنان در سراسر ایران از این طریق و با توسل به شکایت و تحصن و تظاهرات پراکنده و منفصل از همدیگر، قادر به تحمیل هیچ مطالبه ای بر سرمایه داران و دولت آن ها نخواهند شد. طبقه سرمایه دار قدرت دارد. دولت دارد و همه ابزار و سلاح های لازم اعمال قدرت را در اختیار دارد. قدرت سرمایه را فقط با قدرت سازمان یافته آگاه و متحد ضدسرمایه داری توده های کارگر می توان پاسخ گفت. این قدرت به صورت بسیار سرشار و سرکش و بی مرز و محدوده در طبقه ما وجود دارد. دو راه بیشتر در پیش رو نداریم. یا این قدرت را سازمان می دهیم و علیه سرمایه اعمال می کنیم، مطالبات روز خویش را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل می کنیم و در همین گذر بساط نظام سرمایه داری را برمی چینیم و بدین سان یک زندگی انسانی و آزاد را پی می ریزیم یا همچنان به وضعیت خفت بار کنونی ادامه می دهیم. راه دوم راه مردن ذلت بار از فقر و گرسنگی و بی حقوقی و خفقان و استبداد است.

۹ اسفند ۸۸

می‌کنند و سود و سرمایه تولید می‌کنند و در قبال آن هیچ ریالی برای بازتولید نیروی کار خود، برای سیر کردن شکم خالی خود و فرزندانشان به دست نمی‌آورند. کل هدف این جنگ بازپس گیری دستمزدهای مصادره شده است و برای حصول همین «هدف» ۱۳ ماه به درازا کشیده است. ۱۳ ماه اعتصاب، اعتراض، تحصن، تظاهرات وسیع خیابانی، دست زدن به خودکشی و آویختن خود به دار اعتراض و همه پیچ و خم های دیگر را پشت سر نهاده است. احمدی نژاد رئیس مالکان دوزخ سرمایه داری اسلامی وعده پرداخت دستمزد کارگران را بارها ملاط لازم معماری دروغ پردازی های خود کرده و چندین بار گفته که دستور پرداخت حقوق این کارگران صادر شده است، دستمزدها همه پرداخت گردیده است و او «خیلی هم مخلص کارگران است». لفظ مخلص در مسلک وی احتمالاً از ریشه خلاص و آن هم شلیک تیر خلاص بر زندگی کارگران سرچشمه می‌گیرد.

از بربریت ها و سفاکی های سرمایه داران و دولت سرمایه و رئیس جمهوری نظام بردگی مزدی علیه کارگران آبی تی آی که بگذریم، وضعیتی که طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران و کل جنبش کارگری جهانی در قبال این ماجرا به خود گرفته است بسیار فاجعه بار و ملامت انگیز است. در طول ۱۳ ماه جنگ و جدال کارگران آبی تی آی با صاحبان سرمایه، هیچ بخشی از طبقه کارگر در هیچ یک از مراکز کار و تولید به حمایت از این کارگران برنخاسته است. هیچ فریاد اعتراضی از کارگران شاغل هیچ کارخانه ای علیه جنایاتی که سرمایه به آنان روا داشته بلند نشده است. معلمان هیچ مدرسه ای دست به هیچ حمایتی از اعتراض این چند صد کارگر نزنده اند. کارگران راننده هیچ شهر و هیچ جاده و هیچ دیاری معضل این کارگران را معضل زندگی خویش تلقی نکرده اند. هیچ کارگر برق، آب، نفت، خودروسازی، نساجی، بیمارستان یا هر کجای دیگر خود را موظف به همدلی با مبارزات اینان نیافته است. اخبار مربوط به جنایات

## آمار بیکاری در کشور لتونی

مزدی لتونی آوردند که سرمایه در سراسر جهان و در دهشتناک ترین بخش های جهنم سرمایه داری بر سر طبقه کارگر می‌آورد. ۲۰ سال پس از آن تاریخ حتی کارگرانی که کف نانی داشتند و به گاه حمله بیماری ها به دکتری دست می‌یافتند، سقفی در بالای سر و حصیری برای خوابیدن داشتند امروز هیچ ندارند. فقر، گرسنگی و فحشا در چهاردیوار زندگی ویران آن ها بیداد می‌کند. در این میان بلای بیکاری به صورت یک طاعون مهلک مدام آنان را درو می‌نماید. دولت‌مردان سرمایه جار می‌زنند که سال گذشته تولید ناخالص داخلی کشور ۱۸٪ تنزل یافته است و قرار است امسال نیز حداقل ۴٪ دیگر سقوط کند. آنان در همین راستا به کارگران می‌گویند که باید منتظر بیکارسازی های بسیار انبوه تر باشند و می‌بایستی آخرین لقمه نان کودکانشان را در طبق اخلاص برای افزایش سود سرمایه ها بهل کنند.

منبع : نشریه اینترنتی LO . نقل از سایت سیمای سوسیالیسم  
فوریه ۲۰۱۰

بحران قرار می‌گیرد. در دوره ای از تاریخ که بحران هیچ گاه در جغرافیای بازتولید سرمایه جهانی غروب نمی‌کند جویبار پرخروش بحران همه بخش های نیرومندتر سرمایه بدون انقطاع به حوزه بازتولید سرمایه داری این نوع کشورها جاری است. لتونی سال ها قبل از فروپاشی اردوگاه شوروی سابق (سرمایه داری دولتی) بحران اندرونی این بخش از سرمایه جهانی را در شریان های خود تحمل می‌کرد و پس از سقوط شوروی محلی برای پایاب بحران همه دنیای غرب شد. در شروع دهه ۹۰، سرمایه ها از همه جای اروپا و به طور اخص از کشورهای بسیار «دوست و خاطرخواه» یعنی ممالک اسکاندیناوی و باز هم به صورت خاص تر از تراست ها غول پیکر مالی و صنعتی سوئد به سوی این دیار سرازیر شد. سرمایه داران اسکاندیناوی دنیا را آکنده از جنجال کردند که حلقه مفقوده قومی قدیمی خود را از دل نهنگ مرده اردوگاه بیرون آورده اند و اکنون وقت آن است که این خرابه را آبادان سازند!! آنان وارد میدان مصاف و همراه با همه سرمایه داران دیگر خصوصی و دولتی اروپا همان بلائی را به سر توده بردگان

طی سه ماهه آخر سال ۲۰۰۸ بیکاری در کشور لتونی یکی از جمهوری های جدا شده شوروی سابق حدود ۱۰ درصد بود. منحنی میزان این بیکاری در طول سال ۲۰۰۹ مدام رو به اوج رفت تا این که در ۳ ماهه آخر همین سال دو برابر سال پیش شد و مرز ۲۰٪ را پشت سر نهاد. در روزهای شروع سال ۲۰۱۰ روزنامه ها نوشتند که آمار بیکاران از ۲۲۹۶۰۰ نفر افزون شده است. تاریخ سرمایه داری به ویژه در طول چند دهه اخیر تاریخ بیکارسازی های انبوه است. سرمایه داران به دلایلی که ما در جای دیگر به تفصیل تشریح کرده ایم مدام خیل کثیر کارگران را از مراکز مختلف کار و تولید اخراج می‌کنند. آنان این جنایت را همه وقت در دوره بحران، در شرایط رونق، هنگام مقابله با بحران، در دل انباشت های کوه پیکرتر و متمرکزتر انجام می‌دهند. با همه این ها بسیار پیداست که در دوره های وخامت اوضاع اقتصادی و توفانی شدن بحران ها روند بیکارسازی ها نیز سیل آسا می‌گردد. لتونی از حلقه های سست سرمایه داری جهانی است و به طور معمول به گاه غرش بحران، سرکوبگرتر و کوبنده تر از بسیاری کشورها در معرض تهاجم

## تظاهرات اعتراضی کارگران متک علیه تعویق ۷ ماهه دستمزد

کنند. سرمایه داران عضو هیأت مدیره صنایع قائم رضا با مشاهده مقاومت کارگران و با درک تصمیم متحد و محکم آن ها برای ادامه اعتراض و تظاهرات شروع به عقب نشینی کردند، یا حداقل وانمود کردند که دارند عقب نشینی می کنند. آنان گفتند که عجلاناً ۳۰۰ هزار تومان به صورت علی الحساب به هر یک از کارگران پرداخت خواهند کرد و تا پایان ماه اسفند دو ماه حقوق کارگران را به آنان باز می گردانند. این که آیا وعده های صاحبان سرمایه مثل همیشه دروغ و عوام فریبانه خواهد بود یا احتمالاً بخشی از آن را جامه عمل خواهند پوشید تماماً بستگی به این دارد که آنان تا چه اندازه قدرت مبارزه کارگران را جدی گرفته باشند و هراس از این قدرت را در وجود خود لمس کرده باشند.

۸ اسفند ۸۸

عملی خلاف مصالح کارخانه و مغایر با مقررات نظام و صلاح مملکت اعلام داشتند و اخطار کردند که این گونه اجتماعات را اصلاً تحمل نخواهند کرد. عربده های قدرت هیأت مدیره بی درنگ با پاسخ محکم کارگران معترض مواجه شد. آنان فریاد زدند که ۷ تمام کار کرده اند، جان کنده اند، استثمار شده اند، بیش از ده برابر دستمزدشان بر سودها و سرمایه های سرمایه داران افزوده اند. با این وجود حتی از دریافت همین دستمزد ناچیز هم محروم مانده اند. ۷ ماه است که برای سرمایه داران کار می کنند اما بهای محقر نیروی کارشان را دریافت نمی کنند و مجبورند برای بازتولید نیروی کارشان و برای داشتن نای کار کردن با هزاران ذلت و التماس و حقارت دست التماس برای گرفتن نسبه پیش هر مغازه داری دراز کنند. کارگران به طور جمعی دردها و رنج های خود را فریاد زدند و اعلام کردند که بدون دریافت دستمزد محل اجتماع را ترک نمی

شرکت متک از جمله کارخانه های تحت مالکیت صنایع قائم رضا است که در شهرک صنعتی فولاد در شهرستان لنجان قرار دارد. بیش از ۲۰۰ کارگر را استثمار می کند و از نیروی کار آن ها برای طراحی و ساخت سازه های فلزی بهره می گیرد. سرمایه داران شرکت ۷ ماه است که کل حقوق و مطالبات کارگران را مصادره کرده اند و بر ادامه این مصادره اصرار می ورزند. کارگران بارها دست به اعتراض زده اند و صاحبان سرمایه همه این اعتراضات را فقط با تهدید به اخراج و توسل به نیروی سرکوب دولت خویش پاسخ گفته اند. در روز هشتم اسفند کارگران در ادامه مبارزات چند ماهه، در دفتر مرکزی مجتمع قائم رضا در سه راه توحید شهر اصفهان تجمع و تظاهرات کردند. هیأت مدیره مجتمع مطابق معمول با مشاهده اجتماع معترض کارگران شروع به تهدید و کشیدن خط و نشان کرد. افراد هیأت تقاضای دستمزد از سوی کارگران را

## سرمایه داری اسلامی و بی ارزشی مطلق جان کارگران

و کاسبی همه جا تعطیل می شود و شهرها از عبور و مرور خالی می گردند. در چنین شرایطی و در دل این وضعیت غیرعادی بسیار مرگبار تنها توده های کارگر هستند که ادامه کار و استثمار آن ها در کارخانه ها اجباری می شود. به کارگران اخطار می کنند که باید به کار ادامه دهند و هر لحظه غیبت آن ها عواقب وحشتناکی در پی خواهد داشت. در واقع به کارگران گفته می شود که جان آنان کالایی نیست که اصلاً نیازمند حراست و حفظ باشد و برای حفظ آن ریالی از سودهای سرمایه داران کسر شود. کارگران مجبور می شوند که در لا به لای گرد و خاک های آلوده و کشنده کار کنند و هر نوع فکر تعطیل کار را از سر بیرون کنند.

۸ اسفند ۸۸

محیط های کار مرگ آور تن ندهد فوری اخراج و تسلیم تیغ گرسنگی و مرگ می شود. هر کارگری که نیروی کارش نیاز فوری و حتمی تولید سودها و سرمایه ها نباشد به اعماق خیابان ها پرتاب می شود و مجبور است از گرسنگی بمیرد. در اینجا کارگران فقط بردگان ساقط شده از همه هست و نیست حقوق انسانی نیستند بلکه مزید بر آن محکومان به صف شده برای همه انواع جنایت های سرمایه نیز هستند. در اینجا جان کارگر بی بهاترین کالاهاست. به همین حادثه اخیر شهرهای استان خوزستان نگاه کنید. انبوه گرد و خاک و شدت بیش از حد آلودگی هوا در این استان کار را به جایی می رساند که دولت سرمایه داری تصمیم به تعطیل مراکز مختلف کار می گیرد. هر کسی که از حداقل امکان برای حفظ جان خویش از این آلودگی ها برخوردار بوده است راهی خانه خود می شود. کار

آنان که کل سرمایه های جهان را می آفرینند در منطق سرمایه داغ لعنت خوردگان بسیار ارزان قیمتی هستند که تنها و تنها فلسفه حیاتشان تولید سرمایه برای سرمایه داران است. اما سرمایه داران مالک دوزخ سرمایه در ایران و دولت آن ها به این دلایل روشن که هم انبوهی از نیروی کار بسیار ارزان و بی حقوق را در دسترس دارند و هم دستشان در سرکوب و کشتار کارگران بسیار بازرتر از همتایان طبقاتی خود در بخش های دیگری از دنیاست، حتی به اندازه همان همتایان خویش هم برای جان کارگران ارزش قائل نیستند. در اینجا بردگان مزدی سرمایه به محض سر دادن هر نوع فریاد علیه شدت استثمار سرکوب می شوند. هر کارگری که مطالبه بهای نیروی کار خود را بکند سر از زندان در می آورد. هر کارگری که با سرسپردگی و انقیاد مطلق به هر نوع خطر مرگ در

## وضعیت وخیم جسمی فؤاد شمس در زندان

ادامه زندان فؤاد شمس و امتناع زندانبانان از اعزام وی به بیمارستان را محکوم می کنیم و خواهان آزادی بدون قید و شرط و مداوای مؤثر فوری او هستیم.

۸ اسفند ۸۸

آزادی وی و دسترسی او به امکان دوا و درمان تلاش می کنند. آنان به همه جا رجوع کرده و در مقابل محاکم شرع و قضا و عرف سرمایه زبان به اعتراض گشوده اند. زندانبانان و دستگاه های قضایی دولت اسلامی سرمایه همه این اعتراضات را بدون جواب گذاشته اند و فؤاد را همچنان با همان وضعیت وخیم جسمی بدون دکتر و دارو و امکان درمان در زندان نگه داشته اند. ما یک بار دیگر

فؤاد شمس دانشجوی فعال و وبلاگ نویس معترض به بربریت نظام سرمایه داری همچنان در سیاه چال اسیر است. او از بیماری های زیادی رنج می برد. بر اساس اطلاعات و اخبار جراید، فؤاد از ناحیه فک و دندان دچار آسیب های بسیار جدی شده است. عفونت فک ها و لثه ها او را سخت آزار می دهد و خطر ابتلای وی به بیمارهای مهلک دیگر را بسیار افزایش داده است. خانواده فؤاد همه روزه برای



## کارگران و درد دل ها

### (از لا به لای روزنامه ها)

۱. کارگر بازنشسته ام. ۳۰ سال تمام در فروشگاه لوازم خانگی کار کرده ام و استنمار شده ام. ۳۰ سال عمر خود را شب و روز صرف تولید سود انبوه برای سرمایه داران و بالابردن حجم سرمایه های آنان کردم. ۳۰ سال زندگی کردم تا سرمایه سرمایه داران را تولید کنم و افزایش و باز هم افزایش دهم. آنچه اکنون به نام مستماری می گیرم پایین است. در شرایط فعلی جامعه با این دنیای گرانی ها، با حقوق کمتر از یک میلیون تومان به هیچ وجه نمی توان زندگی کرد. میان آنچه ما بازنشستگان به عنوان مستماری دریافت می کنیم با یک میلیون تومان که حداقل مبلغ مورد نیاز برای پایین ترین سطح معیشت است شکاف بسیار عظیمی وجود دارد، شکافی که اصلاً پر شدنی نیست و امثال من مجبوریم تا در سنین کهولت و تا لحظه مرگ به کار کردن و استنمار شدن و فرسودن و نابودن شدن و تبدیل گوشت و پوست و خون و رگ و پی خود به سود سرمایه داران خونخوار خصوصی و دولتی ادامه دهیم. معنای بازنشستگی این است که دیگر توان کار کردن از دست رفته است. دیگر تمامی ذخیره های جسمی و فکری کارگر زیر فشار کار و شدت استنمار فرسوده شده است. دیگر هر چه کارگر در توان داشته سرمایه مثنی سرمایه دار شده است و حال در سن کهولت و از کار افتادگی باید استراحت کند. اما بازنشستگان جامعه ما حتی در این سن هم هیچ شانس برای آسودن و نفس استراحت کشیدن ندارند. سرمایه تا لب گور از آن ها کار می کشد. زیرا آنان مستماری ناچیزی می گیرند، زیرا با این مستماری اندک مجبورند کار کنند و حتی کارهای

بسیار سخت و هلاکت بار انجام دهند. اما مشکل در این حد هم خلاصه نمی شود. کدام کارگر بازنشسته را سراغ دارید که جوان خانواده او بیکار نباشد. ما بازنشستگان مجبوریم با همان مستماری ناچیز هزینه زندگی و خورد و خوراک جوانان بیکار خانواده خود را نیز تأمین کنیم. به همین دلیل باید تا روز آخر عمر برای سرمایه داران جان بکنیم و به استنمار هر چه وحشیانه خویش توسط آنان تن دهیم.

۲. کارگر سابق شرکت نیرو هستم. بیش از ۳۰ سال تمام در این شرکت کار کرده ام و توسط سرمایه داران دولتی استنمار شده ام. با توجه به سوابق کار و تخصصی که داشتم حدود ۵۰۰ هزار تومان دستمزد ماهانه دریافت می کردم. به دلیل فشار سهمگین کار با کارفرما دچار کشمکش شدم و به شدت استنمار و وخامت شرایط کار خویش اعتراض کردم. سرمایه داران به محض شنیدن صدای اعتراض من بلافاصله حکم اخراجم را صادر نمودند و مرا به طور کامل بیکار کردند. روزها دویدم و به همه جا شکایت کردم اما همه نهادها و کل دستگاه های دولتی به رسم معمول و آنچنان که رسالت آن هاست یکدل و یکصدا و هماهنگ از سرمایه دار حمایت کردند و حکم به محکومیت من دادند. پس از این ماجراها به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه کردم تا شاید در قبال ۳۰ سال کار کردن و استنمار شدن مستماری ماهانه ایام بیکاری خود را دریافت کنم. سازمان اخیر پس از مدت ها سر دواندن بالاخره با پرداخت ۷۰٪ دستمزد من به عنوان حقوق ایام بیکاری موافقت کرد. در حال حاضر ۳۵۰ هزار تومان در ماه می گیرم اما این مبلغ به هیچ کجای زندگی خانواده ام نمی رسد و به همین

دلیل مجبورم همه جا را برای یافتن کار زیر پا بگذارم. در هر کجا که ممکن باشد ساعاتی کار کنم و نیروی کار خود را به هر بهای نازلی بفروشم تا شاید از این طریق هزینه خورد و خوراک و پوشاک افراد خانواده ام را تهیه کنم. سازمان تأمین اجتماعی مدام امثال مرا تهدید می کند که اگر در زمان دریافت مستماری جایی کار کنیم حتماً مستماری ما را قطع خواهد کرد. این سازمان به جای این نوع تهدیدهای توحش بار بهتر است کلامی از افزایش سطح دستمزد کارگران و مستماری بیکاران بر زبان راند.

۳. کارگر ساختمان هستم. از سپیده صبح تا غروب کار می کنم. روزهایی که موفق به یافتن کاری می شوم حداکثر ۱۰ هزار تومان دستمزد می گیرم. کارهایی که انجام می دهم بسیار سخت است و در تمامی روز در معرض خطر مرگ قرار دارم. این کار نیست. بازی با مرگ است. اما مجبورم حتی برای یافتن همین کارهای مرگبار هم به طور مدام تمامی شهر تهران را زیر پا بگذارم. حتی همین کارها را هم در بسیاری از روزها پیدا نمی کنم. دستمزد ۱۰ هزار تومان در روز آن هم فقط برخی روزها اصلاً برای هزینه زندگی محقر خانواده ام کفاف نمی دهد. به همین خاطر مجبورم که شب ها پس از انجام کارهای شاق و فرساینده و مرگزای روزانه با ماشین این دوست یا آن آشنا مسافرکشی کنم تا شاید مبلغی به خرج معاش روزانه خود کمک رسانم.

۷ اسفند ۸۸

## آمار سوانح کار در گزارش سازمان تأمین اجتماعی

دار و ندار کارگران انجام ندهد. یکی از این کارها جعل گسترده آمارها و ارقام مربوط به وقوع سوانح کار در کارخانه ها و کل مراکز کار و تولید سرمایه است.

این سازمان از یک سو به جای تأمین اجتماعی کارگران مدام دستمزد و سطح معیشت آن ها را کاهش می دهد و از سوی دیگر روی کشتار و ازکارافتادگی گسترده آن ها توسط کل سرمایه داران و نظام سرمایه داری پرده می کشد. هر چند ماه آماری منتشر می کند تا به ظاهر نظارت خود بر شرایط کار و تلاش برای تشویق سرمایه داران به بهبود وضعیت ایمنی کارگران در مراکز استنمار

کارگران از دستمزد محقر خود مایه گذاشته اند تا صرف مستماری بازنشستگی یا ازکارافتادگی یا هزینه دکتر و دارو و درمان آن ها شود، بر سرمایه های خود می افزاید. سازمان تأمین اجتماعی به این ها بسنده نمی کند. با استفاده از قدرت و مکان و نقش دولتی خاص خود مدام و در سطح وسیع پرونده اشتغال کارگران حوزه استنمار مستقیم خود را دستکاری و جعل می کند تا آنان را از لیست افراد مشمول بیمه اجتماعی حذف کند. این سازمان عین همین کار را برای سرمایه داران دیگر و علیه کارگران تحت استنمار آن ها نیز انجام می دهد. در یک کلام، کاری نیست که این نهاد به اصطلاح «تأمین اجتماعی» کارگران علیه زندگی و سلامتی و

سازمان تأمین اجتماعی در همه دنیای سرمایه داری نهادی از ساختار قدرت و نظم سرمایه برای بازپروری نیروی کار بردگان مزدی و رفع مشکلات جسمی سر راه فروش نیروی کار و استنمار هر چه شدیدتر این نیرو است. این سازمان در ایران خود یک کارتل عظیم مالی سرمایه گذاری و یکی از شبکه های غول پیکر استنمار نیروی کار است. کارخانه های بزرگی را در مالکیت خود دارد که از درون آن ها صدها هزار کارگر را استنمار می کند. به شیوه همه سرمایه داران ۶ ماه ۶ ماه و گاه بیش از یک سال دستمزد توده های کارگر را نمی پردازد. عظیم ترین بخش حق بیمه کارگران را به سرمایه های خود تبدیل می کند و آنچه را که

نیروی کار را نشان دهد، اما آنچه در این گذر انجام می دهد فقط پوشاندن و پنهان کردن وسعت کشتاری است که توسط سرمایه در محیط کار صورت می گیرد. ما قبلاً نیز در این مورد توضیح داده ایم. به طور مثال، یک بار خاطر نشان کرده ایم که فقط آمار چند فقره تلفات جانی توده های کارگر در چند کارخانه بسیار بالاتر از آمار است که این سازمان در رابطه با خسارات جانی حین کار و استنمار در سراسر ایران و در مورد کل طبقه کارگر منتشر می کند. سازمان تأمین اجتماعی همین کار را برای ۶ ماهه اخیر نیز انجام داده است. در حالی که روزنامه ها و سایت های اینترنتی کشور از کشته شدن چندین کارگر در کارخانه ها و سایر مراکز کار در طول هر هفته و گاه هر روز خبر می دهند و در شرایطی که ارقام واقعی کشته شدگان کارگر توسط سرمایه در مراکز کار بسیار بیشتر از آن چیزی است که در روزنامه ها و سایت ها انعکاس می یابد، آری در چنین وضعی سازمان تأمین اجتماعی آمار کل

قربانیان نیروی کار در جهنم سرمایه داری ایران در طول ۶ ماه اخیر را فقط ۴۸ نفر اعلام کرده است!! سازمان تأمین اجتماعی قطعاً دروغ می گوید و همه چیز را به نفع سرمایه و سرمایه داران و شرکای طبقاتی خود جعل می کند. اما حتی همین آمار دستکاری شده و تحریف آمیز انتشار یافته اش باز هم حدیث دنیای جنایت هایی است که سرمایه علیه جان کارگران مرتکب می شود. بر اساس این آمار، در طول همین ۶ ماه ۹۶۹۷ کارگر در حین استنمار توسط سرمایه دچار حادثه شده اند، حادثی که همه بدون استثنا بر اثر مرگبار بودن شرایط کار و ترمرد سرمایه داران از قبول حداقل هزینه های ایمنی محیط کار روی داده است. از میان جمعیت انبوه مصدوم شدگان کارگر بیش از ۸۰۰ نفر دچار نقص عضوهای بسیار اساسی و غیرقابل ترمیم شده اند، ۱۲۵ نفر حدود ۷۰ تا ۱۰۰٪ توانایی بدنی خود را از دست داده اند و بالاخره به گفته این نهاد ۴۸ نفر نیز تسلیم مرگ شده اند. آمار کشتار و مصدوم شدن

کارگران در محیط کار در سراسر دنیا بالا است. عظیم ترین بخش این سوانح نیز صرفاً به این دلیل روی می دهد که سرمایه داران حاضر نیستند دیناری از اضافه ارزش ها بکاهند و صرف بهبود امکانات ایمنی محیط کار کنند. دولت های سرمایه داری دست سرمایه داران را برای ارتکاب این جنایت علیه کارگران از همه لحاظ باز گذاشته اند و باز می گذارند. ابعاد وقوع این جنایت و توحش سرمایه در جامعه ما در قیاس با پاره ای کشورهای بسیار بسیار بالاتر است. در اینجا نه فقط شرایط کار از همه لحاظ مرگ آفرین است بلکه فشار بیش از حد کار، سنگینی کار، فقدان آموزش های لازم برای انجام کار، دنیای اضطراب و دغدغه ها و مشکلات روحی کارگران در زیر فشار گرسنگی، قرض، بیماری، فقر، غم نان و خرج فرزند هم ابعاد وقوع سوانح را هر چه بالاتر می برد.

۶ اسفند ۸۸

## دو گزارش و یک خبر

### کارخانه چوکا

این کارخانه بالاتر از سه راه خلخال - اسالم قرار دارد. کارخانه قبلاً در اختیار صنایع و معادن بود و در حال حاضر سه شرکت و بنگاه اقتصادی تأمین اجتماعی شستا و الدینگ مالکان کارخانه هستند. محصولات آن کاغذ چوکا معروف است. در گذشته نه چندان دور این کارخانه دارای ۲۵۰۰ کارگر بود که به تدریج یا با خرید یا بازنشسته شدند که در ازای ۵ سال خرید سنوات آن ها خانه های سازمانی به آن ها از طرف شرکت داده شد. کارخانه در حال حاضر شورای اسلامی کار ندارد ولی در گذشته بود که منحل شد. در حال حاضر حدود ۸۰۰ کارگر در این کارخانه مشغول به کار هستند. از این تعداد کارگر ۲۰۰ نفر استخدامی با بیش از ۲۰ سال سابقه و بقیه (۶۰۰ نفر) قراردادی و بدون هیچ امنیت شغلی هستند. ۲۰۰ نفر از کارگران استخدامی منتظر اعلام بخشنامه بازنشستگی بیش از ۲۰ سال با سختی کار هستند. اضافه کاری کارگران از ۱۲۰ ساعت در ماه پرداخت می شود. کارخانه دارای سرویس ایاب و ذهاب و سالن غذا خوری است. کارخانه در سه شیفت کاری فعال است. اکثر کارگران از شهرها و روستاهای اطراف مانند اسالم، هشپیر، انزلی، رشت و... هستند. حقوق و دستمزد کارگران همیشه با تأخیر بیش از یک هفته پرداخت می شود.

### مرگ دلخراش کارگر جوان

یاسوج - کارگر جوان بیست و هشت ساله ای به نام علی در ۸۸/۱۲/۴ با سقوط در دستگاه قالی شویی کشته شد. این کارگر پس از سقوط در دستگاه قالی شویی به شدت مجروح شد که پس از خارج کردن وی از درون دستگاه در اثر شدت جراحات وارده جان سپرد. علی بیش از یک هفته از مدت کارش در این کارگاه نمی گذشت که جان خود را برای به دست آوردن لقمه ای نان برای خانواده اش از دست داد. چرا؟ چرا ما کارگران باید این گونه جانمان را برای سودجویی سرمایه و سرمایه داران از دست بدهیم؟ چه کسی مسئول عدم تأمین وسایل ایمنی

کارخانه کنف کار واقع در کیلومتر ۵ جاده رشت - تهران داخل ورودی و حد فاصل جاده رشت - سنگر قرار دارد. تولید کارخانه، گونی های کفنی است. این کارخانه پس از برف سنگین بهمن سال ۱۳۸۳ دچار بحران شده بود و کارگران کارخانه به اداره کار جهت دریافت بیمه بیکاری معرفی شدند. کارگران در مرداد سال ۱۳۸۵ با اتحاد و یکپارچگی توانستند دوباره به کارخانه بازگردند. در این مدت بارها جاده رشت - سنگر و یا رشت - تهران را بستند و یا در مقابل نهادهای دولتی از قبیل استانداری و اداره کار رشت، اداره صنایع و معادن تجمع کردند تا توانستند مقداری از حقوق معوقه خود را دریافت کنند. البته بارها توسط نیروهای انتظامی و اطلاعاتی مورد ضرب و شتم و دستگیری واقع شدند. آخرین بار در حدود ۲ ماه پیش در مقابل استانداری تجمع کردند و در این تجمع نیز بین کارگران و ماموران انتظامی و اطلاعات درگیری اتفاق افتاد. علت آن ممانعت از فیلم برداری توسط موبایل عابری بود که کارگران موفق شدند موبایل ها را پس گرفته و به صاحبانشان برگردانند.

حاصل این پایداری دریافت هر نفر در حدود ۳ الی ۴ میلیون تومان از حقوق معوقه شان است. این کارخانه وابسته به بخش خصوصی و مالکان آن دو پسر عمو به نام جزایری عرب و خانواده زهرابی ضدکارگر هستند که در حال حاضر دختر زهرابی مدیر عامل کارخانه است و توسط وکیلش کارهای مربوط به مسائل حقوقی را رتق و فتق می کند. در حال حاضر ۱۸۶ کارگر در کارخانه به صورت گردشی، هر هفته حدود هفتاد نفر، کارخانه را می چرخانند. در حدود ۱۷۸ نفر از کارگران کارخانه بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند و منتظر هستند طبق قول کارفرما و شورای اسلامی سه نفری کارخانه تا پایان اسفند ۸۸ مشمول ۲۰ سال سابقه و سختی کار شده بازنشسته شوند. در ضمن شورا قول داده که دفترچه های تأمین اجتماعی کارگران را که در طول سال ۱۳۸۸ فقط ۳ ماه اعتبار داشته تمدید اعتبار کند. در حال حاضر کارگران هر یک از ۵ الی ۶ میلیون تومان حقوق معوقه طلبکار هستند.

فعالان ضد سرمایه داری گیلان

اسفند ۱۳۸۸

در محیط کار است؟ ما خواهان پی گیری و محاکمه کارفرمای این کارگاه به اتهام قتل کارگر نامبرده هستیم.

درضمن، به خانواده علی تسلیت می گوئیم و از آن ها می خواهیم ما را در غم خود شریک بدانند.

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر نفرستید:

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
  - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

**khbitkzs@gmail.com**

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.